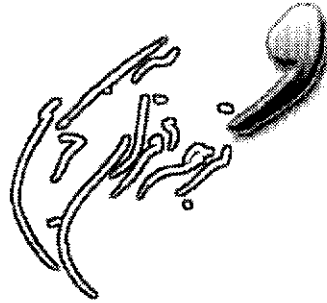


مهدی مهریزی



یکم: امروزه یکی از مباحث جدی در حوزه مطالعات زنان مسأله تأثیر جنسیت بر تفسیرها و تحلیل‌ها است. این پرسش که: آیا نگاه زنان به هستی، قوانین، علوم، سیاست و... با نگاه مردان تفاوت دارد؟ از پرسش‌های جدی و قابل تأمل است. مطرح کردن این مطلب که تاریخ را مردان نگاهشته‌اند. علوم، ماهیتی مردانه دارد و به انجیلی زنانه باید دست یافت، طیف افراطی این نظریه به شمار می‌رود. چنانکه نفی هرگونه تأثیر نیز در جانب دیگر قرار دارد.

به نظر می‌رسد برای پی بردن به صحت و درستی این نظریه باید مطالعات تطبیقی و عینی صورت پذیرد بدان معنا که در موضوعات گوناگون، نگاه‌های مردان با زنان مقایسه شود، تا میزان درستی یا خطای این نظریه به دست آید.

روشن است که درستی این نظریه این نتیجه را به دنبال دارد که باید زنان را در عرصه پژوهش، آموزش و دانش و معرفت سهیم ساخت، تا دستیابی انسان به صواب و حقیقت بیشتر گردد. به سخن دیگر این نظریه می‌گوید: حذف یکی از دو جنس در تکاپوی رسیدن به معرفت و حقیقت، بهره‌آدمی را از معرفت و حقیقت ناقص خواهد کرد.

دوم: طرح این نظریه به صورت عام، دامنه‌اش به حوزه علوم و معارف دینی نیز کشیده می‌شود. بدان معنا که خوبست برداشت‌ها، تفسیرها و استنباط‌های زنان و مردان در مواجهه با متون دینی و مقدس مورد تطبیق و مقایسه قرار گیرد و نتایج آن، تحلیل و کالبدشکافی گردد.

این کار را در حوزه مطالعات اسلامی می‌توان در زمینه‌های تفسیر و ترجمه قرآن کریم، روایت و درایت حدیث، استنباط‌های فقهی به انجام رسانید. گرچه حضور زنان در عرصه‌های یاد شده با تلاش‌های مردان قابل اندازه‌گیری نیست (که البته علل فرهنگی و تاریخی دارد) لکن در همان حجم کم که در دوره‌هایی از تاریخ اسلامی، تلاش‌هایی از سوی زنان به انجام رسیده

می تواند مورد مقایسه و مطالعه تطبیقی قرار گیرد.

سوم: اولویت نخست در مطالعه تطبیقی در حوزه علوم و معارف اسلامی، به قرآن کریم اختصاص دارد. و از این میان آیات مربوط به زن و خانواده که به ۳۰۰ آیه می رسد، حق تقدم دارد. بررسی نگاه های مردان و زنان در ترجمه، تفسیر و تحلیل آیات مرتبط با زن و خانواده می تواند نقطه آغاز جدی برای بررسی این نظریه باشد.

به سخن دیگر مقایسه ترجمه های زنان و مردان از این آیات و تفسیر و تحلیل های زنان و مردان از این آیات، نتایج خوبی را در تأیید یا رد این نظریه به دنبال دارد. البته چنانکه اشارت رفت این پژوهش می بایست به دیگر علوم دینی و اسلامی نیز تعمیم داده شود، روایت و درایت زنان از حدیث، استنباط های فقهی زنان، اشعار زنان و مردان و... نیز مورد مقایسه و تحلیل قرار گیرد.

چهارم: تا آنجا که نگارنده جست و جو کرده ترجمه های قرآن کریم توسط زنان که تاکنون منتشر شده به شرح زیر است:

۱. ترجمه منسوب به خانم کوکب پور رنجبر: این ترجمه چندین بار به چاپ رسیده که آخرین چاپ آن در سال ۱۳۶۲ ش از سوی انتشارات اسلامیة در تهران است. در این ترجمه نشانه ای که گواهی بر انجام ترجمه از سوی خانم پور رنجبر باشد به چشم نمی خورد، بلکه وی مقدمه ای درباره رسم الخط قرآن در ابتدای این ترجمه نوشته و گفته می شود وی ترجمه ای را انتخاب کرده و به همراه متن قرآن کریم به چاپ رسانده است.

۲. ترجمه خانم طاهره صفارزاده: این ترجمه نخست به صورت سه زبانه، یعنی متن قرآن کریم (عربی) و ترجمه فارسی و انگلیسی در سال ۱۳۸۰ از سوی انتشارات هنر بیداری به چاپ رسید. سپس در سال ۱۳۸۱ از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد و در سال ۱۳۸۴ تنها متن قرآن کریم با ترجمه فارسی منتشر گشت.

۳. ترجمه سوره نور توسط خانم فاطمه خلیلی: این ترجمه در سال ۱۳۷۵، از سوی انتشارات طور در تهران به چاپ رسیده است.

۴. ترجمه جزء سی ام قرآن توسط خانم معصومه یزدان پناه: این ترجمه که با ترجمه انگلیسی نیز همراه است در سال ۱۳۸۳ از سوی نشر سعید محبی در تهران به چاپ رسید.

۵. ترجمه قرآن به زبان فرانسه توسط خانم زینب عبدالعزیز: این ترجمه در سال ۲۰۰۲ م در لیبی از سوی جمعیت الدعوة الاسلامیة العالمیة به چاپ رسید.

۶. ترجمه قرآن به زبان فرانسه توسط خانم دکتر رقیه محمد جبر و خانم دکتر عشیرة محمد احمد کامل: این ترجمه در سال ۱۹۹۷ م در قاهره از سوی مجلس اعلای امور اسلامی مصر به چاپ رسید.

۷. ترجمه قرآن به زبان دانمارکی توسط خانم امینه اچماری: این ترجمه در سال ۱۹۹۴ به چاپ رسیده و حاوی تمام قرآن نیست.

۸. ترجمه قرآن به زبان اردو توسط خانم شهریار بانو: این ترجمه در سال ۱۹۹۳ م به چاپ رسید و حاوی جزء اول و سوره‌های آل عمران، نسا، اعراف و جزء سی ام می باشد.

۹. ترجمه تفسیر الجلالین به زبان ژاپنی توسط خانم جیه کاوری ناکانا: این ترجمه در سال ۲۰۰۲ م در سه جلد از سوی جمعیت الصداقة اليابانية و السعودية به چاپ رسیده است.^۱ به جز این نه ترجمه، چند تفسیر به زبان فارسی به چاپ رسیده که نویسندگان آنها نخست ترجمه‌ای از آیات ارائه کرده‌اند و می توان این کتب را نیز در زمره ترجمه‌ها قلمداد کرد:

۱. مخزن العرفان، بانو امین اصفهانی، ۱۵ جلد.

۲. آشنایی با قرآن، شرح و ترجمه، فرزانه زنبقی، ۳۰ جلد.

۳. بیانی از قرآن، زهرا روستا، ۴ جلد.

۴. تفسیر روان، سیده صدیقه صاحبکار خراسانی، ۷ جلد.

پنجم: در این نوشتار ترجمه خانم طاهره صفارزاده با ترجمه آقای محمدمهدی فولادوند درباره‌ای از آیات مربوط به زن و خانواده مورد مقایسه قرار گرفته است.

این دسته از آیات مواردی است که مورد پرسش و سؤال و یا تفسیر و برداشت‌های مختلف است. در مقایسه این دو ترجمه در پاره‌ای موارد وحدت برداشت و ترجمه به چشم می خورد. و در پاره‌ای دیگر اختلافات جزئی و کلی. اینک به گزارش این دو دسته می پردازیم.

لازم به یادآوری است، که این مقایسه هیچ گونه داوری نسبت به صحت و سقم این دو ترجمه را ندارد و تنها گزارش مقایسه‌ای هدف این نوشتار است.

الف: موارد وحدت ترجمه

۱. در ترجمه واژه رجال در سوره یوسف، آیه ۱۰۹ و نحل، آیه ۴۳ و انبیا، آیه ۷ که مربوط به نبوت است هر دو آن را به «مردان» ترجمه کرده‌اند، با این که در تفسیر این آیات برخی رجال را از باب تغلیب دانسته و آن را به معنای انسان می دانند.

۲. در ترجمه آیه وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ (بقره، ۲/۲۲۸) هر دو آن را به معنای درجه بالاتر مردان گرفته‌اند و توضیح یا تعلیقه‌ای در این ترجمه‌ها به چشم نمی خورد.

۳. در ترجمه آیه وَلَیْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنثَى (آل عمران، ۳/۳۶)، که برخی از مفسران آن را سخن خداوند می دانند، این دو مترجم، این جمله را سخن مادر مریم و در ادامه سخنان پیشین وی قرار داده‌اند که عرضه می دارد: پروردگارا من دختر زاده‌ام.

۴. در ترجمه آیه وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (اعراف، ۱۸۹/۷)، هر دو مترجم این قسمت از آیه را کلی معنا کرده‌اند که قابل انطباق بر زن و مرد است. به سخن دیگر در برخی از برداشت‌ها آیه به این صورت معنا می‌شود که خداوند زن را برای آرامش مرد آفرید. ولی در این دو ترجمه به صورت عام معنا شده که هر یک از طرفین مایه آرامش دیگری‌اند.

به هر حال نمونه‌هایی که ترجمه و تفسیر مشترک دارد می‌تواند در رد نظر تأثیر جنسیت مفید باشد.

ب: موارد اختلاف در ترجمه

در این دو ترجمه مواردی یافت می‌شود که مترجمان ترجمه‌های متفاوت از آیه‌ها ارائه کرده‌اند. در این جا به نه مورد از این نمونه‌ها اشاره می‌شود. در این گزارش نخست متن آیه و سپس ترجمه خانم صفارزاده و بعد از آن ترجمه آقای فولادوند آورده می‌شود و در پایان به موارد اختلاف دو ترجمه اشاره می‌گردد.

گفتنی است موارد اختلاف به گونه‌ای نیست که بتوان به آسانی مستندات لغوی و یا دینی دیگر برایش جست، بلکه بیشتر به ذهنیت مترجمان برمی‌گردد که در شکل‌گیری این ذهنیت نمی‌توان جنسیت را نادیده انگاشت.

۱. نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَتَى شَيْئُكُمْ وَقَدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَأَتَقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ مَلَكُوتُهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (بقره، ۲۲۳/۲)

صفارزاده: زنان به مثابه کشتزار شماستند، هر وقت که بخواهید با آنها [به روال طبیعی و برای حفظ نسل] آمیزش کنید و [با فرزندان صالح برای خود] اثر نیکی پیشاپیش بفرستید و از [نافرمانی] خداوند بپرهیزید و بدانید که [سرانجام] او را ملاقات خواهید کرد و [ای پیامبر] مؤمنان را [به این خیر نیک] بشارت ده.

فولادوند: زنان شما کشتزار شما هستند. پس، از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید، و برای شخص خودتان [در بهره‌مندی از آنها] پیشدستی کنید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد، و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده.

در ترجمه این آیه دو مورد تفاوت به چشم می‌خورد:

۱. خانم صفارزاده «اتی» را به معنای زمان گرفته‌اند «هر وقت» ولی آقای فولادوند به مکان و کیفیت معنا کرده‌اند «هرجا [و هرگونه]».

۲. توضیحی که خانم صفارزاده داخل قلاب آورده است [به روال طبیعی و برای حفظ نسل] در ترجمه آقای فولادوند نیست.

۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا

كثيرا وِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا. (نساء، ۱/۴)

صفارزاده : ای مردم ! از عدم اطاعت آفریدگار - پروردگارتان بترسید^۲؛ از همان خالق یکتایی که شما را از یک وجود^۳ آفرید و همسرش^۴ را نیز از نوع او آفرید و از این زوج ، مردان و زنان بسیاری در عالم پدیدار فرمود؛ و بترسید از نتیجه نافرمانی خدایی که [با سوگند] به نام او از یکدیگر درخواست‌ها و نیازهای خود را عنوان می‌کنید؛ و نیز صله^۵ رحم بجای آورید؛ همانا خداوند مراقب و ناظر دائمی رفتار و اعمال شماست .

فولادوند : ای مردم ، از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید ، و از آن دو ، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد ، پروا دارید؛ و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمائید؛ و زنهار از خویشاوندان مَبْرید ، که خدا همواره بر شما نگهبان است .

در این آیه خانم صفارزاده (وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا) را به «از نوع او آفرید» ترجمه کرده است در حالی که در ترجمه آقای فولادوند چنین نیست بلکه این عبارت را در ترجمه انتخاب کرده است «و جفتش را نیز از او آفرید» که ترجمه دوم می‌تواند نظریه آفریده شدن زن از مرد را که برخی از مفسران هم بدان تصریح دارند ، شامل گردد .

۳ . وَاللَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (نساء/۱۵)

صفارزاده : و علیه همسرانتان ، آنها که مرتکب زنا می‌شوند ، چهار شاهد مرد از بین خودتان برای گواهی دعوت کنید ، پس اگر شهادت دادند ، آن زن را در خانه محبوس سازید تا مرگش فرا رسد^۶ یا خداوند [با صدور حکمی دیگر] راهی و چاره‌ای برای او مقرر فرماید .

فولادوند : و از زنان شما ، کسانی که مرتکب زنا می‌شوند ، چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه گیرید ؛ پس اگر شهادت دادند ، آنان [زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد .

توضیحی که خانم صفارزاده در پاورقی خود از تفسیر نمونه نقل کرده‌اند می‌تواند معنادار باشد .

۴ . الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنَاطَتٌ حَفَظَتْنَ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا (نساء/۳۴)

صفارزاده : مردان سرپرست و پیشکار زنانند ، بواسطه^۷ این که خداوند به دلایل خاص برخی را

بر برخی دیگر برتری عنایت فرموده و نیز به دلیل این که هزینه زندگی را مردان تأمین می کنند. پس زنان صالح، درستکار و فرمانبردارند و در غیاب همسر خود حافظ حقوق او و آنچه خداوند به حفظ آن امر فرموده است، می باشند.^۷ اگر [شما مردان] از نافرمانی همسران نگرانید، نخست آنها را نصیحت کنید، اگر فایده نکرد، از هم بستری با آنها دوری گزینید و اگر آن هم فایده نکرد، آنها را مختصری کتک بزنید،^۸ پس اگر از شما اطاعت کردند، دنبال یافتن راهی برای آزار آنها نباشید [که آزار بی دلیل از نشانه های ستمکار است]؛ همانا خداوند آن بزرگ بی همتا در والایی است.

فولادوند: مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آن که خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آن که از اموالشان خرج می کنند. پس، زنان درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند. و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزنید؛ پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش]؛ مجوید، که خدا والای بزرگ است.

در ترجمه این آیه سه تفاوت آشکار به چشم می خورد:

۱. استخدام کلمه پیشکار در ترجمه قوامون از سوی خانم صفارزاده.

جالب است. توجه شود پیشکار در لغت نامه های فارسی چنین معنا شده است: پیشکار با کاف بر وزن ریش دار، خدمتکار و شاگرد و مزدور باشد. و به معنی ممد و معاون و مددکار هم هست.^۹ پیشکار خادم بود.^{۱۰}

پیشکار: اسم ۱. رییس و سرپرست خدمتکاران. ۲. ورزیده ترین کارگر در یک کارگاه سنتی که در غیاب استادکار سرپرستی آنجا را بر عهده دارد. ۳. کارگر نانوايي که نان را از تنور بیرون می آورد. ۴. مدیر کل دارایی استان یا پیشکار دارایی.^{۱۱}

۲. اضافه کردن کلمه «مختصری» در ترجمه (واضربوهن) «آنها را مختصری کتک بزنید». با این که در آیه چنین قیدی نیست، هم چنین توضیحی که ایشان در پاورقی آورده اند که زدن با چوب مسواک باشد و میزان قرآن برای کتک زدن زوجه شاخه گل و گیاه است، بسیار معنا دار است. ۳. فراز «بواسطه این که خداوند به «دلائل خاص» برخی را بر برخی دیگر برتری عنایت فرموده...» در ترجمه خانم صفارزاده قابل تأمل است زیرا: دلائل خاص در آیه نیست و در ترجمه آقای فولادوند نیز نیامده است.

۵. يَتَوَرَّى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ أَيَمْسِكُهُ وَعَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

(نحل، ۱۶/ ۵۹)

صفارزاده : او ، بواسطه خبر تولد فرزند دختر [و احساس ننگ] از خانواده خود کناره می گیرد؛ از دیار خود متواری می شود [و در تردید است که] آیا نوزاد را با تحمل خواری نگهدارد یا زنده به گور کند؟ این داوری نادرستی است [که بین دختر و پسر تبعیض قائل می شوند].

فولادوند : از بدی آنچه بدو بشارت داده شده ، از قبیله [خود] روی می پوشاند . آیا او را با خواری نگاه دارد ، یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد داوری می کنند .

توضیحی که خانم صفارزاده داخل قلاب در ادامه ترجمه آورده و مسأله تبعیض میان دختر و پسر را به صورت کلی مورد نكوهش آیه قرار داده قابل توجه و تأمل است که در ترجمه دیگر چنین توضیحی نیامده است .

۶ . وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ أَرْزَاقِكُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ أَزْوَاجًا يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُونَ (نحل/۷۲)

صفارزاده : خداوند برای شما از نوع خودتان [یعنی انسان] همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌ها [پدیدار فرمود] و از چیزهای خوب و حلال و پاکیزه به شما رزق و روزی عنایت فرمود؛ آیا با وجود این دلائل ، مردم به باطل ایمان می آورند و نعمات خداوند را منکر می شوند؟ فولادوند : و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد ، و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید . آیا [باز هم] به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟

ترجمه (مِنْ أَنْفُسِكُمْ) به : «برای شما از نوع خودتان» و توضیح داخل قلاب [یعنی انسان] مطلبی است که این ترجمه را متفاوت می کند و از نوع نگاه مترجمان حکایت دارد .

۷ . وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّبَعِينَ غَيْرَ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الدِّينِ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (نور، ۲۴/۳۱)

صفارزاده : و [ای پیامبر!] به زنان مؤمن [نیز] بگو که از خیره شدن در چشم مرد نامحرم خودداری کنند و بر امیال جسمانی خود مسلط باشند و زینت های خود را جز به قدر متعارف در معرض دید قرار ندهند^{۱۲} و دامنه مقنعه خود را تا روی سینه پایین آورند و زینت و آرایش خود را ظاهر نسازند مگر برای شوهرشان یا پدرشان یا پسرهای شوهرشان یا برادرهاشان یا برادرزاده ها و خواهرزاده هاشان و یا کینیزانشان یا مردانی که خواجه هستند و نیز کودکانی که هنوز چیزی راجع به

عورت زنان ذهنشان را جلب نکرده است. و زنان نباید پاهای خود را چنان بر زمین بکوبند که خلخال آنها هویدا شود. ای مؤمنان همگی تان روی به درگاه خداوند آورید تا رستگار شوید.

فولادوند: و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیدا است. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند؛ و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.

توضیح خانم صفارزاده در پاورقی که انگشتر و دستبند را مصداق زینت ظاهر دانسته و آن را از دایرهٔ وجوب پوشش بیرون می‌داند، در ترجمه دیگر نیامده است.

۸. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم، ۲۱/۳۰)

صفارزاده: و از نشانه‌های قدرت خداوند این است که همسرانی از نوع خودتان، [انسان] برای شما خلق فرمود تا در جوار آنها احساس آرامش کنید و در بین شما دوستی و الفت و مهریانی ایجاد فرمود: در همهٔ اینها نشانه‌هایی از قدرت و حکمت الهی برای اهل تفکر نهفته است.

فولادوند: و از نشانه‌های او این که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

در این آیه، خانم صفارزاده (مِنْ أَنْفُسِكُمْ) را به همسرانی از نوع خودتان معنا کرده و توضیحی داخل قلاب آورده است [انسان]. با این که در ترجمه آقای فولادوند کلمهٔ نوع داخل قلاب آمده و در ترجمه آیات دیگر که مشابه این آیه بود، نیز این مطلب وجود نداشت.

۹. أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ. وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ. أَوْ مِنْ يَنْشَوْنَ فِي الْحَلِيِّهِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ (زخرف، ۴۳/۱۶-۱۸)

صفارزاده: آیا خداوند از بین مخلوقات، دختران را برای فرزندی خود انتخاب کرده و پسران را برای شما؟ در صورتی که به هر کدام از مردها تولد دختر را که خودش برای ارحمان فرزند قرار داده، خبر دهند صورتش از شدت عصبانیت سیاه می‌شود و خشمش را فرو می‌برد [و به فکر زنده به گور کردن دختر یا متواری شدن از شهر و دیار خود می‌افتد] آیا آنها برای خداوند فرزندی

قائل می‌شوند که در زیور و زینت و لباس‌های زنانه پرورش می‌یابد و در صحنه‌های جنگ و جدال به هیچ‌وجه ظاهر نمی‌شود؟

فولادوند: آیا از آنچه می‌آفریند، خود، دخترانی برگرفته و به شما پسران را اختصاص داده است؟ و چون یکی از آنان را به آنچه به [خدای] رحمان نسبت می‌دهد خبر دهند، چهره او سیاه می‌گردد، در حالی که خشم و تأسف خود را فرومی‌خورد. آیا کسی [را شریک خدا می‌کنند] که در زر و زیور پرورش یافته و در [هنگام] مجادله، بیانش غیر روشن است؟
خانم صفارزاده (فی الخِصام) را به جنگ و جدال معنا کرده ولی آقای فولادوند آن را به مجادله و از سنخ بیان معنا کرده است. قابل توجه است که ترجمه دوم یکی از مستندات کسانی است که زن را از منصب قضاوت محروم می‌کنند.

خلاصه

این نوشتار، طرح اجمالی از مسأله تأثیر جنسیت بر ترجمه‌های قرآن کریم است که با مقایسه دو ترجمه یکی از زنان و یکی از مردان، مسأله را دنبال کرده است. چنانچه گذشت این مقایسه و تطبیق در حوزه آیات مورد سؤال و پرسش در حوزه مسأله زنان صورت گرفت که چهار مورد با وحدت ترجمه و نه مورد با اختلاف ترجمه همراه بود.
پیگیری این مقایسه میان ترجمه‌های دیگر می‌تواند در تکمیل این موضوع مفید باشد.

۱. با سپاس از مسئولان و کارکنان مرکز ترجمه‌های قرآن به زبان‌های خارجی که زمینه استفاده از مخزن ترجمه‌ها را برای اینجانب فراهم ساختند.
۲. مراد ترس از عواقب رفتار خلاف اوامر و احکام الهی است.
۳. حضرت آدم.
۴. حضرت حوا.
۵. حفظ حرمت و حقوق خویشاوندی و رسیدگی به خویشاوندان نیازمند.
۶. قانون فوق، یک حکم موقت بود. (تفسیر نمونه)
۷. ناموس، آبرو، مال و غیره.
۸. منظور کتک زدن با چوب مسواک است (مجمع البیان به روایت از امام باقر(ع) همچنین میزان قرآنی برای کتک زدن زوجه شاخه گل و گیاه است چنانکه ایوب در آیه ۴۴ سوره ص به آن توصیه فرموده شده است.
۹. فرهنگ قاطع، ۱/ ۴۴۲.
۱۰. فرهنگ جهانگیری، ۲/ ۲۲۴۵.
۱۱. فرهنگ معاصر، ۳۲۵.
۱۲. مثل انگشتر و دستبند که طبعاً دست از حجاب بیرون است.